

## دوس هشت

روز بخیر. حال شما چطور است؟

خالا هوا گرم است. امروز بسیار زیباست.

امروز

امروز چگونه روزی است؟ امروز هوا چگونه است؟ آیا امروز آسمان آبی است؟

امروز چگونه هوایی است؟

امروز هوا چگونه است؟ آیا شما مایلید امروز بسیار بخوابید؟ همچنین امروز شما

بسیار کار خواهید کرد؟ آیا شما یک روز پیش بسیار کار کردید؟

یک روز پیش. دیروز.

آیا شما دیروز کار کردید؟ دیروز چه روزی بود؟ دیروز هوا چگونه بود؟ هوا پریروز

چگونه بود؟ آیا شما پریروز اسپرانتو خواندید؟ آیا پریروز پنجشنبه بود؟

پس از یک روز - فردا

ماه می تابد. درخت سایه سیاه دارد.

آیا من شما را فردا خواهم دید؟ شما فردا چه کار خواهید کرد؟ آیا شما فردا اسپرانتو

خواهید آموخت؟ آیا فردا چهارشنبه است؟ پس فردا شما چه کار میکنید؟ آیا پس فردا

دوشنبه است؟ پس فردا چه روزی است؟ آیا خورشید روی آسمان است؟ خورشید چه

میکند؟ (آن میدرخشد) در شب چه چیزی می تابد؟ ماه و ستارگان اوبه او (خانم)

اتوموبیل میدهد.

اومی گیرد (دریافت میکند) آنرا از او.

آیا آقا دوشیزه را میبوسد؟ (نه، اوبه دوشیزه اتوموبیل میدهد) چه کسی اتوموبیل

میدهد؟ آنرا به چه کسی میدهد؟ او چه چیزی میدهد به دوشیزه؟ دوشیزه چه

میکند؟ او اتوموبیل آقا را میگیرد. چه کسی اتوموبیل را میگیرد؟ چه چیزی او

میگیرد؟ از چه کسی او میگیرد اتوموبیل را؟ آیا شما روز شنبه پول زیادی دریافت

کردید؟ آیا کسی به شما روز شنبه پول میدهد؟ یا در اولین روز ماه (در روز اول ماه)

آیا شما دوست دارید نامه بنویسید؟ به چه کسی شما دوست دارید بگویید؟ آیا شما از

دوست خود نامه دریافت داشتید؟ از چه کسی انتظار نامه دارید؟ چه کسی دیروز

برای شما نامه نوشت؟

(هیچکس)

آیا شما حیوانات را دوست دارید؟ آیا شما حیوانات خانگی را دوست دارید؟  
حیوانات خانگی در کجا هستند؟ (اطراف خانه) آیا خروس بال دارد؟ (خروس -  
قو قو لوقو) آیا خروس همسرهایی دارد؟ آیا خروس حرمسرا دارد؟  
زن خروس مرغ است.

آیا در خانواده خروس خروس ها و مرغ های کوچک هست، نام آن ها چیست؟  
خروس کوچک جوان جوجه است؟  
آیا گربه کوچک بچه است؟ (آری، آن بچه است، اما نه بچه خروس، بچه گربه،  
پس آن جوجه خروس نیست، بچه گربه است.

در اطراف خانه حیوان کثیف و چاقی هست. آن خوک است. آیا شما دوست دارید  
خوک بخورید؟ آیا شما بچه خوک را دوست دارید؟ اسب چگونه حیوانی است؟ آیا گربه  
اسب زیباست؟ آیا اسب دو پا دارد؟ آیا شما غازی را دوست دارید؟ آیا جوجه های غاز  
کوچک تیراست از جوجه های مرغ؟ از چه چیزی جوجه ها می آیند؟ (آنها از تخم  
می آیند؟)

آیا شما تخم پرنده را دوست دارید؟ آیا غالباً تخم مرغ میخورید؟ (غالباً، مثلاً  
دو شنبه، سه شنبه، پنجشنبه، و غیره) آیا شما به ندرت جوجه میخورید؟ چرا شما به  
ندرت جوجه میخورید؟ (به ندرت مثلاً یک جوجه در سه ماه)

آیا ماده گا و قهوه میدمید؟ (نه، آن به ما شیر خوب و سفید میدهد) آیا شما شیر را  
دوست دارید؟ آیا شیر از جوهر گوگرد بهتر است؟ آیا جوهر گوگرد نوشیدنی است؟ آیا  
گوساله حیوان زیبایی است؟

کلاه آدامسون پرواز میکند؟ باد میوزد؟ روی عکس هوا چگونه است؟ کلاه آدامسون  
چه میکند؟ چرا آن میپزد؟

آیا شما هوای بادی را دوست دارید؟ باد چه میکند؟ آیا شما باد شدید را دوست دارید؟  
آیا شما توفان را دوست دارید؟ سگ آدامسون چه میکند؟

بالاپوش چیست؟ آیا کلاه است؟ (آنها لباس هستند) لباس شما چگونه است؟ روپوش  
شما چه رنگی دارد؟ کلاه آدامسون چگونه است؟ کلاه شما چگونه است؟  
سگ چه میکند؟ آن چگونه است؟ آدامسون چه میکند؟ دنبال چه کسی سگ میدود.  
مرد - زن - پسریچه - دختریچه

آیا انسانها همه یکسانند؟ انسانها مردان و زنان هستند؟ آیا شما کودک هستید؟  
آیا بچه ها مردان و زنان هستند؟ (نه، پسریچه ها و دختریچه ها هستند) آیا شما پسریچه

هستید؟ آیا دآدامسون پسوچه است؟

سگ با کلاه مردانه .

دردهن سگ چیست؟ سگ چه میکند؟ آیا آن کلاه آدامسون است؟ آیا سگ کلاه مردانه

را برای آدامسون میبورد؟ چگونه کلاهی آدامسون میگیرد؟

روی سر آدامسون چیست؟ چگونه کلاهی روی سر آدامسون است؟ چه چیزی کنار

آدامسون می رود؟

آیا شما دوست دارید بخندید؟ آیا خنده آدم را جوان میکند؟ آیا خنده آدم را جوان

میکند؟ آیا ورزش ها بدن را نیرومند میکند؟ آیا شیر سالم میکند؟ شیر چگونه است؟

خانم های مدرن چه میکنند؟ خنده چه میکند؟

زن بدون دست . بدون دستها کسی نمیتواند کار کند .

آیا مردم بدون سرمیتوانند فکر کنند؟ آیا بدون سرمردم میتوانند دوست بدارند؟

(آری مردم بدون سرمیتوانند دوست بدارند) آیا مردم بدون چشم ها میتوانند

ببینند؟ آیا شما میتوانید بدون دست بنویسید؟ آیا مردم میتوانند بدون هوا زندگی

کنند؟

چه کسی نمیتواند ببیند؟ (آدم کو نمیتواند ببیند)

داستان

دوشهری آقای زندگی می کرد . آن آقا دوشیزه - ئی را بسیار دوست میداشت . آن

دوشیزه بسیار زیبا ، خوب ، دلچسب ، ثروتمند ، ظریف بود ، او تنها یک بدی

داشت ، او نمی توانست حرف بزند . او نمی توانست حرف بزند زیرا اولال بود .

کویر - کر - لال

آیا آدم های لال میتوانند حرف بزنند؟ دوشیزه زیبا چگونه بود؟ چه کسی او را

دوست داشت؟

دوشیزه هم آقا را دوست میداشت ، و آنها نزد کشیش رفتند و آنها زن و شوهر شدند .

آقا خانم را بسیار دوست داشت . و او بسیار غمناک بود زیرا نمی توانست با او گفتگو

کند .

خوشحال - غمگین

چرا او نمی توانست با او حرف بزند؟ چرا شوهر غمگین بود؟ شوهر در مجله خواند که در

شهری دکتر جدیدی هست . دکتر - پزشک میتواند بدترین بیماری های درمان کند .

او آنرا در مجله خواند و در همان دقیقه بسوی دکتر دوید و گفت :

دکتر ، من زنی دارم که نمیتواند حرف بزند ، اولال است .

آیا شما میتوانید او را درمان (سالم کردن) کنید .

آری ، دکتر گفت . من همسرتو را عمل میکنم او حرف خواهد زد . شوهر خیلی خوشبخت

بود . و حقیقتا پزشک با عمل زن را به حرف زدن درآورد . اما اینک بخش غم انگیز

داستان میآید . زن حرف زد . حرف زد . حرف زد و در تمام مدت و روز تمام مدت شب .

میرد بدبخت نتوانست کار کند . او نتوانست بخوابد زیرا زن در طول روز و در طول شب

حرف میزد .

شوهر چه خواند ؟ دکتر چگونه بود ؟ شوهر چه کرد ؟ پزشک چه کرد ؟ زن چه کرد ؟ آیا

شوهر خوشبخت بود ؟ چرا نه ؟ چه کاری نتوانست بکند ؟ آیا دکتر جدید او را به زبان

آورد ؟ شوهر اینک به نزد دکتر رفت . (شوهر دوباره پیش دکتر رفت) او گفت :

دکتر ، من خیلی بدبخت هستم . شما مرا بدبخت کردید . همسر من در طول روز و در طول

شب حرف میزند . من نمیتوانم بخورم ، کار کنم ، بخوابم . من خواهش میکنم از شما

دکتر ، عمل تازه ای بکنید که همسر من دوباره لال بشود . دکتر من از شما خواهش

میکنم ، همسر مرا لال کنید .

دکتر گفت : آقا من مطلقا نمی توانم اینسان همسر شما را لال کنم .

شوهر التماس کرد .... دکتر ، من خیلی بدبخت هستم ، من خواهم مرد .

دکتر قلب نرمی داشت (سنگ خیلی سخت است ، اما دل دکتر نرم بود) .

نه برآستی من نمیتوانم همسر شما را لال کنم . اما من میتوانم عملی روی شما

کنم ، شما نخواهید شنید . شما خواهید شد . من شما را که خواهم کرد . آیا خوب است ؟

خیلی خوب . شوهر پاسخ داد و دکتر او را عمل کرد و او خیلی خوشبخت شد . زیرا او حرف

زنش را نمی شنید . چرا زن خوشبخت بود ؟ آیا دکتر خوشبخت بود ؟ (آری ، زیرا او در

دستمرز گرفت)

دل شما چطور است ؟ آیا دل دیدنی است ؟ آیا دو مین عمل آقا را خوشبخت کرد ؟

خدا حافظ . من برای شما شب خوبی را آوردم میکنم . خواب دیدن خوب (عکس هایی در

طول خواب) و همسر زیبا (شوهر خوب)

دستوردرس هشتم

*al de id*

*Li donas aŭtomobilon al ŝi.*

درجمله

وضع ونسبت و رابطه کلمات درجمله: "انواتوموبیل میدهدبه او" باواژه "به *al*" روشن شده است. ، بطوریکه اگر *al* را ازجمله برداریم جمله به صورت ("او اتوموبیل میدهداو" درمی آیدکه مبهم ونامفهوم است .

کلماتی مانند *al* و دیگرکلماتی که بعدا خواهد آمد در اصطلاح دستوری حروف نسبت یا اضافه خوانده میشوند. حروفی که کارشان نشان دادن وضع ونسبت کلمات بایکدیگردد یک جمله است .

*al* معنی به و بسوی را میدهد .

*de* معنی از وئه کسره اضافه را میدهد .

*Ŝi ricevas ĝin de li.*

او آنرا از او میگیرد .

*Letero de via amiko.*

نامه دوست شما

دراین جمله دو اسم *letero* و *amiko* با حرف اضافه *de* بهم افزوده شده اند .

کسره اضافه دو اسم را بهم میافزاید .

*katido* یعنی بچه گربه *-id*

درفارسی برای بیان مفهوم زگی واژه هاژئی چون بچه وجوجه ، توله ، و..... بکاربرده میشود مانند بچه گربه ، جوجه مرغ ، توله سگ . در اسپرانتو برای بیان مفهوم زادگی واژه *id* بکاربرده میشود . *porkido* بچه خوک *id* در فارسی معانی فرزند ، زاده ، توله ، بچهک ، بیره ، کیره وجوجه را میدهد .

*ig* و *ig*

فعل لازم و متعدی را در درس های پیش آموختیم .

او میخندد . او میخنداند .

جمله اومی خندد لازم است چون مفعولی ندارد وجمله دوم متعدی است زیرا میگوئیم او میخنداند . چه کسی را ؟ بچه ها را .

همانگونه که در دو جمله بالا دیدیم. در فارسی با افزودن دو حرف الف و نون به فعل لازم میخندد و با به فعل متعدی میخنداند تبدیل کردیم. در اسپرانتو برای این کار از پسوند *ig* استفاده میکنیم.

*Ĉu la rido ĵunigas la homojn?*

آیا خنده مردم را جوان میکند.

همانگونه که می بینیم واژه جوان با افزوده شدن *ig* به جوان کردن

تبدیل میشود. خنده چه کسی را جوان میکند؟ مردم را

*ig* سه واژه زیور را میخوانیم.

کور *blinda*

کور کردن *blindigi*

کور شدن *blindigiĝi*

واژه اول *blinda* صفت است. واژه دوم *blindigi*

فعل لازمی را در جمله به فعل متعدی تبدیل کرده ایم.

و واژه سوم با افزودن پسوند *ig* حالت شدن را بیان میکنیم.

*blindigiĝi* کور شدن

بنابراین برای تبدیل حالت های بودن به شدن پسوند *ig* را بکار میبریم.

او کور بود. *Li estis blinda*

او کور شد. *Li blindiĝis*

واژه های درس هشتم

|                |                        |               |          |
|----------------|------------------------|---------------|----------|
| <i>ricevas</i> | می گیرد - دریافت میکند | <i>hodiaŭ</i> | امروز    |
| <i>ĉevalo</i>  | اسب                    | <i>vetero</i> | هوا      |
| <i>azeno</i>   | خو                     | <i>hierau</i> | دیروز    |
| <i>bovo</i>    | گاو                    | <i>morgaŭ</i> | فردا     |
| <i>ansero</i>  | غاز                    | <i>luno</i>   | ماه      |
| <i>koko</i>    | خروس                   | <i>ombro</i>  | سایه     |
| <i>kokino</i>  | مرغ                    | <i>brilas</i> | می درخشد |
| <i>porko</i>   | خوک                    | <i>donas</i>  | میدهد    |
| <i>letero</i>  | نامه                   | <i>al</i>     | به       |

|                  |                       |                       |                           |
|------------------|-----------------------|-----------------------|---------------------------|
| <i>blinda</i> ½  | کور                   | <i>amiko</i>          | دوست                      |
| <i>surda</i>     | کر                    | <i>ĉirkaŭ</i>         | اطراف                     |
| <i>jam</i>       | حالادیکو              | <i>id</i>             | پسوند - زادگی - نسل       |
| <i>petas</i>     | خواهش میکنم           | <i>dika</i>           | کلفت - ضخیم               |
| <i>petegis</i>   | التماس کرد            | <i>ovo</i>            | تخم مرغ                   |
| <i>mola</i>      | نرم                   | <i>ofte</i>           | غالباً                    |
| <i>koro</i>      | دل                    | <i>malofte</i>        | بندوبت                    |
| <i>ĝstono</i>    | سنگ                   | <i>lakto</i>          | شیر                       |
| <i>honorario</i> | دستمزد                | <i>vitriolo</i>       | جوهر گوگرد، اسید سولفوریک |
| <i>deziras</i>   | آرزو میکنم - میل دارم | <i>ĉapelo</i>         | کلاه                      |
| <i>songo</i>     | خواب دیدن - رویا      | <i>vento</i>          | باد                       |
| <i>gaja</i>      | خوشحال                | <i>blonas</i>         | میوزد                     |
| <i>gazeto</i>    | مجله                  | <i>vesto</i>          | لباس                      |
| <i>mova</i>      | نو - تازه             | <i>viro</i>           | مرد                       |
| <i>kruacisto</i> | پزشک                  | <i>virino</i>         | زن                        |
| <i>kuraci</i>    | درمان کردن            | <i>knabo</i>          | پسر بچه                   |
| <i>al</i>        | به                    | <i>knabino</i>        | دختر بچه                  |
| <i>vere</i>      | حقیقتاً - ب راستی     | <i>egala</i>          | مساوی - یکسان - برابری    |
| <i>denove</i>    | دوباره                | <i>apud</i>           | کنار                      |
| <i>diris</i>     | گفت                   | <i>ruĝigas</i>        | قرمز میکند                |
| <i>ke</i>        | که                    | <i>ig</i>             | کردن - اندن               |
| <i>absolute</i>  | مطلقاً                | <i>ig<sup>ĉ</sup></i> | شدن                       |
|                  |                       | <i>sen</i>            | بدون                      |
|                  |                       | <i>blinda</i>         | کور                       |
|                  |                       | <i>simpatia</i>       | دلچسب - شفیق              |
|                  |                       | <i>eleganta</i>       | ظریف                      |
|                  |                       | <i>muta</i>           | لال                       |

تاران - قیابان - پارساان - قیابان سهره - عابدینی - قیابان

مکتبم - پاک ۷۰

آقای اردشیر کریمی



مکتب و عیال

نشانی: تهران صندوق پستی ۴۷۹

آموزش زبان استرانی و

آرما